



## لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی

بخش نخست «لایحه قانونی مجازات‌های اجتماعی» تنظیم شده توسط معاونت حقوقی و توسعه قضایی در شماره ۳۳ ماهنامه قضاوت چاپ شد. همان طور که خوانندگان محترم به یاد دارند طی آن به نتایج مطالعات و بررسی‌های انجام شده اشاره شد. این بررسی‌ها حکایت از آن داشت که زندان‌های کنونی تدبیری مناسب برای اصلاح و درمان مجرمان نیست و چرخه ارتکاب «جرم-زندان» معمولاً تکرار می‌شود. در شماره بعدی ماهنامه نیز بحث «گزارش توجیهی مواد» مطرح شد. اکنون و در بخش پایانی این مطلب راهکار اجرای صحیح مجازات‌های اجتماعی با نگاهی به دیگر کشورها و مواردی دیگر آمده است که می‌خوانید.

### ■ ماده ۱۰

اجرای صحیح مجازات‌های اجتماعی وابستگی کامل به نهاد کارآمد و نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص دارد. تجربه‌های دیگر کشورها در این زمینه نشان می‌دهد که نبود نیروی انسانی لازم و کافی نبودن آموزش‌های ارائه شده برای مأموران و مددکاران مجری این تدابیر، از مهم‌ترین عوامل موفق نبودن مجازات‌های اجتماعی بوده است.

نیروی انسانی مورد نیاز در این ماده عبارتند از:

الف) کادر قضایی؛ ب) کادر اداری.

الف) کادر قضایی

می‌دانیم که در نظام کیفری کنونی، مجازاتی که اجرا می‌شود، همواره همان مجازات مقرر در دادنامه (مجازات قضایی) نیست و چه بسا محکوم از رهگذر عفو و آزادی مشروط حبسی کمتر از آنچه

در دادنامه آمده، متحمل شود. در این لایحه نیز، در طول اجرای مجازات احتمال تخفیف و تشدید مجازات اجتماعی مورد حکم و تبدیل آن به مجازات‌های اجتماعی دیگر وجود دارد.

اعمال هر یک از موارد تخفیف، تشدید و تبدیل، مستلزم دخالت در حقوق و آزادی‌های فردی است و از این رو، واگذاری این اختیارات به دادیار اجرای احکام که از قضات دادسراست، با اصول حاکم بر محاکمه‌های کیفری مغایر است زیرا، دخالت در حقوق و آزادی‌های فردی از نظر ماهیتی یک امر قضایی است و قضات محاکم باید آن را اعمال کنند تا امکان کنترل قضایی همواره موجود باشد.

نگاهی اجمالی به اختیارات پیش‌بینی شده برای قاضی اجرای مجازات اجتماعی در این لایحه این ضرورت را بیشتر آشکار می‌سازد:

- ۱- افزایش دوره مراقبت در صورت تخلف ناموجه و اعمال حبس در صورت تکرار آن (ماده ۱۲)؛
- ۲- کاهش دوره مراقبت یا صرفنظر کردن از برخی از دستورها (به منزله تخفیف) در صورت احراز اصلاح در رفتار محکوم علیه (تبصره ماده ۱۲)؛
- ۳- پیش‌بینی چگونگی نظارت بر محکوم علیه و مراقبت از وی (ماده ۱۴)؛
- ۴- مشخص کردن محل و چگونگی انجام خدمات عمومی (ماده ۱۸)؛
- ۵- تعلیق انجام خدمات عمومی یا تبدیل آن به مجازات اجتماعی دیگر (ماده ۱۹)؛
- ۶- اضافه کردن ساعتهای انجام خدمات عمومی در صورت تخلف ناموجه و اعمال حبس در صورت تکرار آن (ماده ۲۰)؛
- ۷- اعمال حبس به ازای روزهای باقی مانده در

صورت امتناع از پرداخت جزای نقدی روزانه (ماده ۲۳)؛

۸- اعطای مهلت بیشتر برای پرداخت جزای نقدی روزانه و در صورت لزوم تبدیل آن به مجازات اجتماعی دیگر (ماده ۲۴)؛

۹- اضافه کردن مدت محرومیت از حقوق اجتماعی در صورت تخلف ناموجه و اعمال حبس در صورت تکرار آن (ماده ۲۸).

از سوی دیگر، قاضی صادرکننده حکم نیز به چند دلیل نمی‌تواند مرجع قضایی مناسبی برای اعمال جهات تشدید، تخفیف یا تبدیل باشد. زیرا، قاضی صادر کننده حکم با صدور حکم محکومیت، از محکوم علیه فاصله می‌گیرد.

چنانچه اختیارات قاضی اجرای مجازات اجتماعی به وی واگذار شود، اطلاعات لازم را جهت اتخاذ تصمیم مناسبی مبتنی بر شناخت شخصیت محکوم علیه و تأثیرهای بازپرورانه تدابیر و دستورهای تعیین شده، در اختیار نخواهد داشت.

ولی، قاضی اجرای مجازات اجتماعی که به طور مستمر بر اجرای این مجازات‌ها و محکومان به آن نظارت دارد، از تحقق تغییر مثبت در رفتار محکوم علیه یا تحقق نیافتن آن اطلاع دارد و تصمیم‌های وی در این زمینه بر آگاهی کامل از وضعیت محکوم علیه استوار است.

از آن گذشته، ارجاع مکرر پرونده از نهاد اجرای مجازات به قاضی صادر کننده حکم، خود مستلزم طی تشریفات اداری است که عملاً باعث طولانی شدن بیش از اندازه تصمیم‌گیری در مورد تشدید، تخفیف یا تبدیل می‌شود و این تأخیر و طولانی شدن موجب زوال کارآمدی، بلاتکلیفی و از اثر افتادن نظام تنبیه و تشویق محکوم علیه می‌شود.

#### ب) کادر اداری

دسته دوم از نیروهای انسانی اجرای مجازات‌های اجتماعی، نیروهای غیر قضایی و اداری اند. با توجه به این که ویژگی مجازات‌های اجتماعی، اجرای آن در بستر اجتماع و مستلزم استمرار اجرا در طول زمان است، نظارت بر رفتار محکوم علیه در طول زمان و رفع موانع بازپذیری اجتماعی وی، نیازمند همکاری و مشارکت اعضای خانواده، نهادهای مدنی و بویژه مددکاران اجتماعی و مأموران مراقبتی است. در این راستا، هر چند قاضی اجرای مجازات اجتماعی مسئولیت رسیدگی و رتق و فتق امور و تحولات به وجود آمده پس از صدور حکم قطعی دادگاه را بر عهده دارد، تغییر و تبدیل‌های به وجود آمده پس از صدور حکم، مشروط به اطلاع از وضعیت محکوم علیه، احراز تغییرهای مثبت در رفتار محکوم علیه و نیز احراز تخلف از شرایط پیش‌بینی شده است. ناگفته پیداست که رفع موانع بازپذیری اجتماعی محکومان و احراز صلاحیت رفتار با سوء رفتار محکوم علیه از امور تخصصی است که نیازمند آگاهی و اشراف بر شاخه‌های مختلف علوم جرم‌شناسی، روان‌شناسی و

مددکاری اجتماعی است. از این رو و در صورتی که یکی از هدفهای ضمانت اجراها را اصلاح مجرم و امید به تغییر رفتار نامبرده و سازگاری او با هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی بدانیم، بهره‌گیری از متخصصان علوم رفتاری روند بازپذیری و درمان ناهنجاریهای رفتاری بزهکاران مشمول این قانون را تسریع خواهد کرد. در این مسیر و با توجه به اینکه اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری از نمودهای اعمال حاکمیت دولتهاست، مددکاران اجتماعی و سایر افراد و گروه‌های مرتبط با اجرای مجازات اجتماعی تحت مدیریت قاضی اجرای مجازات فعالیت می‌کنند و در هر حال، تصمیم نهایی با قاضی اجرای مجازات اجتماعی است.

موضوع دیگر در این ماده، بحث تغییر و تبدیل مجازات مقرر در دادنامه است. امروزه بر اساس تحقیقات انجام شده، شکاف میان مجازات قضایی (مجازات مقرر در دادنامه) و مجازات اجرایی بنا به دلایلی موجه دانسته شده است. اوضاع و احوال و شرایطی که در زمان صدور حکم محکومیت موجود بوده و ملاک تصمیم قاضی در تعیین مجازات قضایی قرار می‌گیرد، ممکن است طی اجرای مجازات از میان برود. در این صورت، برای تحقق هدفهای اصلاحی و درمانی مجازات و هدفمند بودن اجرای مجازات و افزایش کارآمدی آن، باید ساز و کاری را پیش‌بینی کرد تا بتوان مجازات در حال اجرا را هر چه بیشتر با وضع فعلی و موجود محکوم علیه سازگار کرد. این رویه به ظاهر با اعتبار امر مختومه که قاعده‌ای قدیمی و کلاسیک در حقوق کیفری است، مغایرت دارد. ولی، حقوق کیفری نوین با الهام از آموزه‌ها و یافته‌های

جرم‌شناسی، اعتبار مطلق این قاعده را تا اندازه‌ای زائل کرده؛ به گونه‌ای که، در بیشتر نظامهای حقوقی، امروزه نهادهای مختلفی در زمینه اجرای احکام کیفری فعالیت دارند و تلاش می‌کنند تا مجازات را تحقق بخشند. در همین راستا، پیدایش حقوق

اجرای مجازات‌ها را شاهدیم و این حقوق افزون بر پیش‌بینی نهادها و مقامهای قضایی متخصص در مرحله اجرای مجازات، طی قوانین و مقررات مختلف اختیاراتی را به این نهادها و مقامها واگذار می‌کند.

#### ۱۱-۱۵

همان گونه که در بخش چارچوب نظری اشاره شد، محکوم کردن همه مجرمان با حبس توجیه عقلانی ندارد. از یک سو، تحقیقات نشان می‌دهد که زندان کارکرد اصلاحی و تربیتی برای مرتکبان جرمهای خرد ندارد. از سوی دیگر، حضور

این مرتکبان در جامعه برای سایر شهروندان خطر آفرین نیست. بنابراین اقدام کارآمدتر و عادلانه‌تر آن است که به جای زندانی کردن این مجرمان و ابتلای آنان به آسیب‌های گریزناپذیر حبس، آنان را در جامعه و در میان سایر شهروندان مورد مراقبت و بازپروری قرار دهیم. به این ترتیب، محکوم علیه حیثیت و جایگاه اجتماعی خود را از دست نمی‌دهد و ضمن حفظ بخشی از آزادی خود به منزله یک شهروند مسئول، رفتار وی تحت مراقبت و نظارت یک مأمور مراقبتی متخصص یا یک شهروند دیگر یا یک نهاد مدنی قرار می‌گیرد.

لازم به یادآوری است که دوره مراقبت با تعلیق اجرای مجازات (موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی) تفاوت بسیار دارد. تعلیق حبس جانشین زندان نیست، بلکه مجازاتی است که اجرای آن تعلیق شده است. به سخن دیگر، در تعلیق مجازات، حبس همچنان مجازات اصلی است، ولی بنا به شرایطی معلق می‌شود. در حالی که، «دوره مراقبت» به منزله ضمانت اجرای مستقل جانشین حبس می‌شود. از این رو عبارت «دوره مراقبت» بیش از «تعلیق مجازات» با هدف قانون سازگاری دارد. تعلیق مقرر در قانون مجازات اسلامی به شکل ساده (بدون دستور) و نیز مراقبتی (همراه با دستور) پیش‌بینی شده است. قاضی می‌تواند با توجه به شخصیت محکوم و نوع جرم ارتكابی وی، هر یک از این دو شیوه را مورد حکم قرار دهد. ولی، «دوره مراقبت» همراه با الزام به انجام دستورهایی است که سه هدف عمده را دنبال می‌کنند:

الف) کسب مهارتهای شغلی، خانوادگی و انجام امور درمانی؛

ب) حمایت از اجتماع از رهگذر منع اقامت در محلهای معین، خودداری از ارتباط با اشخاص و اشتغال به کارهای جرم‌زا؛

پ) ترمیم و جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده و توسعه فرهنگ صلح و سازش میان بزه‌کار و بزه‌دیده.

با تصویب این لایحه و متنوع ساختن واکنشهای کیفری، قضات گستره وسیعی از اعمال محدودیتها بر آزادی مجرمان را در اختیار خواهند داشت. به این ترتیب، آنان بهتر می‌توانند مجازات را با جرم ارتكابی، شخصیت مجرم و خواستههای اصلاح و درمان متناسب کنند. نظام ضمانت اجرای تخلف از دستورهای مندرج در حکم دوره مراقبت و سایر مجازات‌های اجتماعی، نظامی پلکانی است؛ بدین معنا که، در تخلف نخست، با افزودن بر دوره مراقبت، بار دیگر به محکوم علیه فرصت داده می‌شود تا با حفظ ارتباط خود با جامعه و عمل به دستورها همچنان مشمول

### اقدام کارآمدتر و عادلانه‌تر آن است که به جای زندانی کردن این مجرمان و ابتلای آنان به آسیب‌های گریزناپذیر حبس آنان را در جامعه و در میان سایر شهروندان مورد مراقبت و بازپروری قرار دهیم

مجازات های اجتماعی باقی بماند. ولی، چنانچه برای بار دوم نیز مرتکب تخلف از دستورهای مندرج در حکم شود، دیگر دلیلی برای پافشاری بر اصلاح و درمان محکوم باقی نمی ماند. حبسی که در این فرض پیش بینی شده، مجازاتی نیست که در مقابل جرم ارتكابی محکوم قرار بگیرد (بر خلاف تعلیق مجازات که در آن جا حبس تعلیق شده در مقابل جرم ارتكابی قرار می گیرد)، بلکه ضمانت اجرایی برای تخلف محکوم علیه از دستورها و احکام دادگاه است. این نوع ضمانت اجراها به ضمانت اجراهای فنی معروفند که در مقابل تخلف فنی قرار می گیرند. از این رو، حبس ثابتی برای این تخلفها پیش بینی نشده و مدت آن ممکن است متناسب با وضع محکوم علیه از یک روز تا شش ماه

تعیین شود. بر خلاف تعلیق که در آن از پیش برای محکوم حبسی ثابت تعیین شده و باید نسبت به محکوم آینده اعمال شود، ممکن است طی دوره تعلیق با وجود تخلف از دستورها تغییرهای مثبتی در رفتار محکوم علیه ایجاد شده که با توجه به آن، دیگر ضرورتی به

توسل به مجازات حبس - که با توجه به شرایط زمان صدور حکم اعمال شده- نباشد. محکوم کردن فرد به اقامت اجباری در منزل از دیگر تدابیری است که در دوره مراقبت پیش بینی شده است. بررسیها نشان می دهد که برخی از افراد تنها در اوقات خاصی از روز یا هفته مرتکب جرم می شوند (برای نمونه، در آخر هفته یا ساعت های خاصی از روز). به این ترتیب، چنانچه این افراد در این ساعتها یا روزها از آزادی کامل خود محروم شوند، کمتر در معرض ارتکاب جرم قرار می گیرند. در اعمال این تدبیر توجه به چند امر ضروری

است. نخست، این تدبیر باید برای محکومانی اعمال شود که مسکن مناسب داشته و حضور اجباری محکوم در منزل در ساعتها یا اوقات مشخص مزاحمت و رنجشی برای سایر اعضای خانواده فراهم نمی کند.

دوم، ملزم کردن فرد به اقامت در منزل نباید با شغل، تحصیل و سایر امور ضروری وی منافاتی داشته باشد.

### ■ ماده ۱۶

یکی دیگر از مجازاتهای اجتماعی خدمات عمومی است که مطابق آن، محکوم علیه به انجام کار رایگان در یک مؤسسه عمومی مانند بیمارستانها، مراکز ارائه خدمات اجتماعی، شهرداریها و مانند آنها مجبور می شود. ولی،

انجام این کارها مترادف با بیکاری و کار اجباری نبوده، بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به زندان، بهره گیری از ظرفیتهای بازپروری، اشتغال به کارهای عام المنفعه و نیز جبران خسارتهایی که

مجرمان به واسطه ارتکاب جرم به اجتماع وارد کرده اند، است. حکم به خدمات عمومی با توجه به سن، جنس، توانایی جسمانی و روانی و مهارت شخص و حتی نوع جرم ارتكابی صادر شده و محکوم علیه به اصل و نوع کار رضایت داده است. رضایت در اصل کار و نوع آن، آن را از بیکاری و کار اجباری تمیز می دهد.

خدمات عمومی با توجه به صفت عمومی آن به نفع اجتماع است. از این رو، مؤسسه ها و نهادهایی که محکوم علیه باید در آنها به کار گمارده شود، مؤسسه هایی هستند که این خصلت را دارند.

بنابراین، نمی توان محکوم علیه را به انجام کار برای شخص حقیقی محکوم کرد.

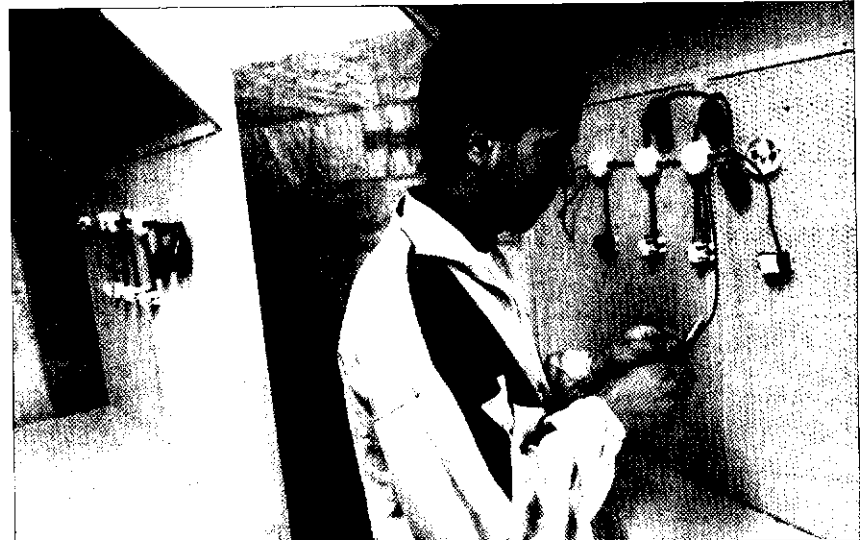
انجام خدمات عمومی در مورد برخی از اشخاص ممنوع است. علت این ممنوعیت ملاحظات حقوق بشری است که در قوانین کار کشورها متجلی می شود. در قانون کار ایران، انجام کار برای اشخاص زیر ۱۵ سال ممنوع است و از این رو، حداقل سن برای حکم به انجام خدمات عمومی ۱۵ سال تعیین شده است.

### ■ ماده ۱۷

در بسیاری از کشورها، میزان ساعت های انجام خدمات عمومی معمولاً متناسب با میزان مجازات قانونی جرم ارتكابی (مدت حبس) تعیین می شود. در فرانسه، انجام کار خدمات عمومی می تواند جانشین حبس تا یک سال شود. در این مورد، ساعت های انجام کار حداقل ۴۰ و حداکثر ۲۴۰ ساعت است که طی مدت ۱۸ ماه باید به اتمام برسد. در برخی از کشورهای آفریقایی که در مورد خدمات عمومی تجربه های بسیار موفق دارند، ساعت های کار خدمات عمومی به این شرح است: ۱ تا ۳ ماه زندان برابر با ۳۵ تا ۱۰۵ ساعت کار، ۳ تا ۶ ماه زندان برابر با ۲۱۰ تا ۳۱۵ ساعت کار، ۶ تا ۹ ماه زندان برابر با ۲۱۰ تا ۳۱۵ ساعت کار و ۹ ماه تا ۱۲ ماه زندان برابر با ۳۱۵ تا ۴۲۰ ساعت کار. با توجه به مطالعات تطبیقی انجام شده و نیز پذیرش اعمال محازاتهای اجتماعی برای حبسهای تا دو سال در حقوق ایران، به نظر می رسد که ۴۸۰ ساعت کار طی حداکثر هجده ماه مهلتی معقول و منطقی است.

از دیگر ویژگیهای خدمات عمومی آن است که این مجازات نباید تا حد امکان مانع کسب و کار محکوم علیه و محروم کننده او از کار پیشین خود باشد. زیرا، هدف از مجازاتهای اجتماعی پیوند مجرم با اجتماع است نه محرومیت از حقوق اجتماعی یا برانگیختن حس تنفر و انزجار او نسبت به جامعه. این مهم در تبصره ماده ۱۷ لایحه پیش بینی شده است. بنابراین، با توجه به این که افراد شاغل عموماً موظف به انجام هشت ساعت کار روزانه اند، حداکثر ساعت های خدمت عمومی در یک روز برای این عده دوازده ساعت پیش بینی شده است. به سخن دیگر، در مورد افراد شاغل، در یک روز تنها چهار ساعت ارائه خدمت عمومی به منزله مجازات اجتماعی پذیرفته شده است.

از سوی دیگر، با وجود این که ارائه خدمات عمومی رایگان است، ضوابط و مقررات مندرج در قانون کار که به شرایط کار و تکالیف کارفرمایان در خصوص ایجاد محیطی بهداشتی و سالم مربوط است، در مورد محکومان به این نوع مجازات نیز الزامی است، بی آن که بتوان حقوق و مزایای مندرج در قانون کار را برای محکوم علیه تصور کرد. موضوع اخیر در تبصره ماده ۱۸ پیش بینی شده است.





یکجای جزای نقدی است و قاضی می‌تواند به طور استثنایی با توجه به درآمد شخص پرداخت آن را قسط بندی کند. ولی، چون بخش عمده‌ای از محکومان به جزای نقدی توانایی مالی لازم برای پرداخت آن را ندارند، این امر به حبس بدل از جزای نقدی منجر شود. جزای نقدی روزانه در واقع نهادی است برای حل مشکلات مربوط به ناتوانی محکوم برای پرداخت جزای نقدی به طور یکجا و جلوگیری از زندانی شدن این افراد.

بر اساس این تأسیس حقوق کیفری، در تعیین مقدار جزای نقدی به درآمد روزانه شخص توجه شده و مجازات با توجه به توانایی مالی شخص اعمال می‌شود. به سخن دیگر، این روش محکوم علیه را توانا می‌سازد تا در طول مدت مشخص نسبت به پرداخت جزای نقدی تعیین شده اقدام کند. معیارهای تعیین جزای نقدی روزانه عبارت است از الف- روزهای پرداخت. ب- میزان مشخصی از درآمد روزانه که با حاصل

ضرب این دو در یکدیگر، مقدار جزای نقدی مشخص می‌شود.

روزهای پرداخت در جرمهای مستوجب شلاق و مجازات حداکثر تا ۶ ماه حبس، از ده تا صد و هشتاد روز تعیین شده است. ولی، در مورد جرمهایی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از شش ماه تا دو سال حبس است، با توجه به مطالعات تطبیقی انجام شده، حداکثر روزهای پرداخت جزای نقدی نصف حداکثر روزهای محکومیت به حداکثر مجازات قانونی حبس (دو سال) - یعنی سیصد و شصت روز - تعیین شده است. با وجود این، با توجه به متغیر بودن این معیار، قاضی رسیدگی کننده می‌تواند با توجه به نوع جرم، وضعیت مجرم و سایر

احساس می‌کند و پرداخت ماهانه هر بار برای محکوم خود یک هشدار تازه است.

ولی، ملاک تعیین شمار روزهای جزای نقدی که فرد در آنها محکوم به پرداخت می‌شود، چیست؟ شدت جرم ارتكابی معیار مناسبی برای تعیین شمار روزهاست؛ به این ترتیب که، هر چه جرم شدیدتر باشد، شمار روزهای جزای نقدی نیز بیشتر خواهد بود و این مقتضای اصل تناسب میان وخامت و شدت مجازات است.

در این صورت، جزای نقدی روزانه مجازاتی است واقع بینانه و مؤثر که با جمع دو دسته از عوامل با یکدیگر یعنی عوامل شخصی (درآمد و دارایی و

هزینه‌ها) و عوامل عینی (شدت جرم ارتكابی) زمینه را برای اجرای هر چه بیشتر عدالت فراهم می‌کند.

### جزای نقدی روزانه در واقع نهادی است برای حل مشکلات مربوط به ناتوانی محکوم برای پرداخت جزای نقدی به طور یکجا و جلوگیری از زندانی شدن این افراد

ولی، چنانچه محکوم علیه از پرداخت جزای نقدی مورد حکم خودداری کند، نمی‌توان به این واسطه وی را از مجازات معاف کرد.

پرداخت نکردن جزای نقدی یا بنا به یک عذر موجه است یا بدون عذر موجه. در صورت موجه بودن این امر، قاضی می‌تواند به محکوم علیه مهلت مناسب برای پرداخت بدهد یا مجازات اجتماعی دیگری را برای وی تعیین کند و در صورتی که بدون عذر موجه از پرداخت جزای نقدی خودداری کند، گویی محکوم دوباره مرتکب جرم شده است. این به معنای اعلام روحیه قانون‌گریزی و جامعه ستیزی است که فرد را سزاوار مجازات شدیدی مانند زندان می‌کند.

طبق بررسی تطبیقی، پس از تعیین جزای نقدی روزانه، معمولاً تصریحی در چگونگی پرداخت آن ملاحظه نمی‌شود؛ بدین معنا که، اصل بر پرداخت

مدت ۱۸ ماه پیش بینی شده برای اتمام خدمات عمومی مدتی معقول و منطقی است و قاعدتاً امکان انجام ساعتهای کار در مهلت تعیین شده - چه به شکل روزانه یا روزهای آخر هفته و روزهای تعطیل - وجود دارد. ولی، در صورتی که بنا به دلایل و ملاحظات و مقتضیات شغلی - اجتماعی امکان تمدید مهلت یا تبدیل خدمات عمومی به مجازات دیگر را خواهد داشت. این امر اگر چه با مجازاتهای سنتی که دارای وصف تغییر ناپذیر بودن می‌باشند، تا اندازه ای منافات دارد، با اندیشه‌های جدید سیاست جنایی که خواستار هر چه بیشتر فردی کردن مجازات و توجه به شخصیت متهم است، سازگار است و زمینه بازپروری و اصلاح مجرم را بیش از مجازاتهای سنتی تأمین خواهد کرد. ماده ۱۹ در صدد بیان این موضوع است.

ولی در صورتی که انجام ندادن کار به علت عذرهای موجه نباشد، بحث تخلف شخص مطرح می‌شود که مانند دوره مراقبت در بار نخست بر مدت افزوده می‌شود و در صورت تکرار، به حبس متخلف منجر خواهد شد.

#### مواد ۲۳ - ۲۲

جرای نقدی مجازاتی است که بر مال و دارایی شخص محدودیت ایجاد می‌کند و در تعیین آن، بیش از آنکه به مجرم نگریسته شود، معمولاً به جرم ارتكابی و مجازات قانونی آن توجه می‌شود. زندانی شدن مجرم و محرومیت وی از فعالیت بر تمام بعدهای حیات فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذرد و مناسبات خانوادگی، گروهی، شغلی، اقتصادی و... فرد از میان رفته و به نوعی فلج اجتماع محکوم را سبب می‌شود. ولی، جزای نقدی تنها باعث ایجاد کاستی در درآمد یا دارایی محکوم می‌شود و سایر ساحت‌های زندگی اجتماعی فرد را متأثر نمی‌کند.

تعیین جزای نقدی به شکل ثابت و با غفلت از شرایط مالی و اقتصادی محکوم، اصل فردی بودن مجازات‌هاست. هدف از کاستن بهره‌مندی‌های مالی محکوم، غنی ساختن خزانه دولت نیست، بلکه هدف اصلاح و بازپروری مؤثر وی و جلوگیری از آثار سوء محکومیت به حبس است. رعایت اصل فردی بودن مجازات‌ها و وظیفه‌ای که محکوم در برابر سایر افراد خانواده و افراد تحت تکفل خود دارد، مستلزم آن است که تعیین مقدار جزای نقدی معیاری منطقی، واقعی و انعطاف پذیر داشته باشد. از این رو، جزای نقدی را باید بر اساس درآمد محکوم علیه تعیین کرد. بدیهی است که هر فرد بنا به شغل و شرایط خانوادگی خود عواید و مخارج متفاوتی دارد. ملموس‌ترین و واقعی‌ترین ملاک تشخیص دخل و خرج افراد، درآمد و هزینه‌های آنان در طول یک روز است. به نظر می‌رسد که این نوع ضمانت‌اجراها تأثیر تربیتی و اصلاح پایدارتری را به همراه داشته باشد. زیرا، محکوم علیه هر روز سنگینی و محدودیت ناشی از مجازات را

اوضاع و احوال این مدت را کاهش یا افزایش دهد. معیار دوم، میزان مشخصی از درآمد روزانه است. در این مورد، رویه کشورها متفاوت است. برای نمونه، در آلمان، ممکن است مبلغی از دو تا هزار مارک از درآمد روزانه شخص به منزله مجازات تعیین شود. این روش در ایران به دلیل پاره‌ای از مشکلات از جمله تورم اقتصادی اعمال شدنی نیست. به همین دلیل، در این لایحه از معیاری تغییر ناپذیر و ثابت استفاده شده و جزای نقدی روزانه حداکثر یک چهارم از درآمد روزانه فرد محکوم را شامل می‌شود و به نظر می‌رسد که این میزان از درآمد با توجه به حداکثر روزهای پیش‌بینی شده (یک سال) خلل چندانی در فراهم کردن معاش محکوم علیه و اعضای خانواده وی ایجاد نمی‌کند؛ اگر چه تعیین میزان درآمد روزانه فرد بویژه در مورد مشاغل غیر دولتی امر ساده‌ای نیست و قاضی پرونده ممکن است ابزارها و اطلاعات لازم را برای تعیین این میزان در اختیار نداشته باشد. در بسیاری از کشورها، مقدار جزای نقدی روزانه حاصل ضرب روزهای پرداخت در درآمد (روزانه) است، بی‌آنکه معیار مشخصی برای چگونگی پرداخت آن تعیین شود. بنابراین، اصل بر پرداخت یکجای جزای نقدی روزانه است. ولی، به طور استثنایی به قاضی این اختیار داده شده که با توجه به میزان درآمد شخص، پرداخت آن را قسط بندی کند. ولی، در این لایحه، به علت شرایط اقتصادی و معیشتی اکثریت افراد مشمول این قانون، اصل بر پرداخت قسطی قرار داده شده و تلاش شده تا جزای نقدی روزانه به حبس محکوم علیه منجر نشود. ضمانت اجرای پرداخت نکردن جزای نقدی روزانه، حبس به ازای باقی مانده روزهای پرداخت است.

برای نمونه، در فرضی که درآمد روزانه شخص ۸ هزار تومان بوده و به علت ارتکاب جرم مستوجب مجازات حداکثر تا ۶ ماه حبس تحت تعقیب قرار گرفته شده، در صورتی که دادگاه خواستار تعیین جزای نقدی روزانه به

منزله یکی از مجازاتهای اجتماعی باشد، ابتدا یک چهارم درآمد روزانه (یعنی ۲ هزار تومان) را به طور ثابت تعیین کرده و در وهله بعد، روزهای پرداخت را مشخص می‌کند که در این مورد حداکثر ۱۸۰ روز است. حال در صورتی که در این فرض دادگاه ۱۲۰ روز را تعیین کرد، حاصل ضرب یک چهارم درآمد روزانه در روزهای پرداخت ۲۴۰ هزار تومان خواهد بود که محکوم علیه به مدت سه ماه آن را ماهانه پرداخت می‌کند. ولی، در صورتی که شخص در ماه سوم بدون عذر موجه جزای نقدی را نپردازد، باقی مانده روزهای پرداخت ۶۰ روز است

که این مدت را در حبس سپری خواهد کرد. با وجود این، مانند موارد پیشین، در صورتی که پرداخت نکردن ناشی از عذر موجهی باشد، مهلت دیگری داده شده یا جزای نقدی روزانه به مجازات اجتماعی دیگر تبدیل خواهد شد.

### ماده ۲۵

جزای نقدی روزانه تنها در مورد جرمهای مستوجب مجازاتهای اجتماعی (حبس و شلاق تعزیری) اعمال شدنی است نه مجازاتهایی مانند جزای نقدی ثابت. ولی، چون اصلی ترین هدف این لایحه پرهیز از حبسهای غیر ضروری است، به نظر می‌رسد که با نادیده انگاشتن حبسهای بدل از جزای نقدی (موضوع ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی) هدف این لایحه تأمین نخواهد شد. از این رو، چاره اندیشی در خصوص حبسهای بدل از جزای نقدی و واگذاری اختیار قسط بندی آن به دادگاه در صورت توانایی نداشتن محکوم علیه نسبت به پرداخت جزای نقدی، رسالت و پیام این لایحه را تکمیل خواهد کرد. پرداختن به موضوع قسط بندی جزای نقدی ممکن است به نوعی خروج موضوعی از عنوان لایحه تلقی شود. ولی، بر فرض درستی این ادعا، دغدغه حقوق و آزادیهای فردی و آثار سوء ناشی از حبسهای بدل از جزای نقدی تصویب این ماده را ضروری و فوری می‌سازد؛ بویژه آنکه با صدور رأی وحدت رویه در مورد ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی (محکومیتهای مالی غیر از جزای نقدی) مبنی بر پذیرش قسط بندی پیش از اعزام به زندان تا حدی از خشونت و حبس گرایی قانون یاد شده کاسته شده است. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که تصویب این ماده قرأت انسان دوستانه و تفسیر عادلانه قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی است.

### ماده ۲۶

برای تحقق هدفهای لایحه مجازاتهای اجتماعی، پیش بینی گستره بسیار متنوعی از ضمانت اجرای کیفری ضرورت دارد که نخست، قاضی را نسبت به عادلانه و مؤثر بودن آن متقاعد کند

و دوم، محرومیتها و محدودیتهای پیش بینی شده برای محکوم علیه، منطقی و متناسب با نوع جرم ارتكابی و بررسی پیشگیری از تکرار آن باشد. مطابق تبصره ماده ۲۶، قاضی صادر کننده حکم موظف است ارتباط جرم و نوع محرومیت را به صراحت در دادنامه ذکر کند. علت آن است که برای نمونه در مورد جرم صید غیر مجازی که صیادی مستمند مرتکب می‌شود، انفصال از خدمات و مشاغل دولتی مورد حکم قرار نگیرد. همچنین، مدت محرومیتهای چهارده گانه پیش بینی شده با توجه به نوع و شدت آن متغیر است.

### ماده ۲۷

این محرومیتها افزون بر آن که می‌توانند به منزله مجازات اصلی مورد حکم قرار گیرند، ممکن است دادگاه از آنها به منزله مجازات تکمیلی نیز استفاده کند، ولی چون عنوان لایحه حاضر مجازات اجتماعی و جرمهای مشمول آن نیز برخی از جرمها با مجازاتهایی خاص است، این محرومیتها تنها در صورت اعمال مجازات اجتماعی می‌توانند به منزله مجازات تکمیلی بر مجازات اصلی افزوده شوند.

### ماده ۲۸

ضمانت اجرای تخلف در خصوص مصداقهای مختلف مجازاتهای اجتماعی از معیار و ضابطه مشخصی پیروی می‌کند. در مورد محرومیت موقت از برخی از حقوق اجتماعی نیز، در صورت تخلف، بار نخست بر مدت افزوده می‌شود و در صورت تکرار تخلف حبس تا شش ماه اعمال خواهد شد. اگر چه حبسهای کوتاه مدت با انتقادهای بسیاری روبه رو بوده و اعمال آن به منزله مجازات اصلی توصیه نمی‌شود، در قانون گذارهای مختلف اعمال حبس کوتاه مدت در صورت تخلف فنی (تخلف از شرایط ضمانت اجراها) گریز ناپذیر است.

با توجه به اینکه می‌توان مجازاتهای یاد شده را افزون بر مجازات اصلی به منزله مجازات تکمیلی نیز اعمال کرد، پرسش این است که برای نمونه در صورتی که محرومیت از حقوق به منزله مجازات تکمیلی بر دوره مراقبت افزوده شد و به شکل یکی از شرایط دوره مراقبتی قرار گرفت، در صورت تخلف از شرایط، مجازات مقرر در ماده ۱۲ قانون اعمال خواهد شد یا ماده ۲۸؟ در این مورد، با توجه به اینکه فعل واحد مشمول عنوانهای متعدد تخلف شده، مطابق قاعده تعدد اعتباری، منعی در اعمال مجازات اشد به نظر نمی‌رسد.

### ماده ۲۹

از حیث تجدیدنظر، ملاک تجدیدنظرخواهی مجازات قانونی جرم ارتكابی است. به سخن دیگر، اگر چه مجازاتهای اجتماعی جانسین مجازاتهای سنتی شده و مجازات قانونی جرم همچنان مجازات حبس پیشین است، برای پیشگیری از هر گونه شبهه، پیش بینی شده که از حیث تجدیدنظر، (با توجه به احاله قانون آیین دادرسی کیفری به مجازات قانونی جرم) ملاک مجازات قانونی آن جرم است.

### ماده ۳۰

این قانون قانونی ارفاقی است و در قوانین ماهوی ارفاقی، مطابق اصول حقوق جزا و نیز ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی، در صورتی که تصریحی به عمل نیامده باشد، قانون عطف به ما سبق خواهد شد. بانوجه به گستردگی حوزه شمول این قانون و برای پرهیز از تراکم کار دادگاهها در وضعیت فعلی، بهتر دیده شد که قانون عطف به ما سبق نشود.

## تحقق هدفهای لایحه مجازاتهای اجتماعی پیش بینی گستره بسیار متنوعی از ضمانت اجرای کیفری ضرورت دارد